



همتن سخنواری ابوالحسن بنی صدر در بانک مرکزی

متن سخنرانی ابوالحسن بنی صدر در بانک مرکزی که در شش ماه پیش ایراد گردیده و مابه لحاظ اهمیت موضوع ... کامل آن را که از نوار ساده شده است در زیر می آوریم .

قسمت اول : وضع سیستم بانکی موجود بانکی

کاہش مستمر ارزش پول

قرار بود امروز درباره سیاست بانکی ، یا نظریه من در باره سیاست بانکی در جمهوری اسلامی صحبت کنم ، ولی چون ارائه راه حل محتاج شناسایی واقعیت‌ها آنطور که هست میباشد ناچار باید کار معرفی دستگاه و نظام بانکی کشور را کسی بعده میگرفت . حق این بود که مسئولان بانک مرکزی بحای من این سخنرانی را می‌کردند . البته مهم در آن سخنرانی حاضر میشدم تا بعد در یک مجلس دوم میتوانستم آنچه را که میتوان عنوان نظام بانکی در جمهوری اسلامی پیشنهاد کرد بر اساس واقعیت موجود پیشنهاد کنم قاعده‌تا " باید متصدیان امر بانکی که دست‌اندر کار بودند و

ادامه دارد

صفحه ۱ افسای نعمت‌های ...

"در تاریخ ۲۵ اکتبر دولت آمریکا به آقای بروس لینگن کاردار خود تهران تلگرافی اطلاع داد که رئیس جمهور قصد دارد به محمد رضا پهلوی همت معالجه فوری بیماری سرطان و سنگ کیسه صفراء اجازه ورود دهد. میرغم اینکه کارتز و مشاورانش میدانستند که در صورت اجازه ورود به شاه کنست جان اتباع آمریکائی در سفارت آمریکا در تهران بخطر بیافتد این مصمم را اتخاذ نمودند. حتی در یکی از جلسات مشاوره کارتزار مشاورانش نوال نموده بود در صورتیکه کارکنان سفارت به گروگان گرفته شود آنها ه توصیهای به وی خواهند نمود. ولی دولت آمریکا که بمدت چند ماه است فشارهای سیاسی قرار داشت بالاخره ناگزیر شد که به دلایل انسانی سیاسی این اجازه ورود را صادر نماید.

در تاریخ ۲۱ اکتبر آقای نیتن با آقای یار زبان و آقای دکتر بزرگی
بنظر دولت آمریکا مدعی داشتند تا از تندروی اشخاص رادیکال جلوگیری
اینند، ملاقات نمود. طبق گفته وزارت خارجه آمریکا آقای بزرگی اظهار
اشتاین دو مقام از تصمیم آمریکا ابراز تعجب و ناخشنودی نموده و اعلام
شستند که ملت ایران هرگز مستله بیماری را قبول نخواهد کرد ولی قوا
دند که از سفارت آمریکا محافظت خواهد شد.

از تاریخ ۲۲ اکتبر مجدداً آقای لینگن به اتفاق آقای پرکت -
Precht (رئیس قسمت مربوط به ایران در وزارت خارجه آمریکا) که
منظور بهمود بخشیدن روابط بین دو کشور به ایران مسافرت نموده بود،

آقایان بازارگان و یزدی ملاقات نمود. افغانستان محدوداً مقامات ایرانی به این اقدام آمریکا اعتراض نمودند. حتی آقای لینگن نسبت به عاقلانه بودن این تصمیم تردیدی پیدا کرده بود اما مگر عمل موثر نبود زیرا در همان روز شاه بدون سروصدا وارد نیویورک شد در بیمارستان بستری گردید.

عکس العمل دولت ایران شدید و فوری نبود. دولت بازارگان که لاخره در نتیجه همین اقدام ساقط شد در تاریخ ۲۶ و ۳۵ آکتبر و ل نوامبر به ورود شاه به آمریکا اعتراض نمود. در اول نوامبر آیت الله - مینی طی نطق رادیویی خود از دانشجویان خواست که در راهپیمایی روز نوامبر نسبت به روش آمریکا و اسرائیل اعتراض نمایند تا بلکه بدینوسیله امریکا ناچار شود شاه را به ایران تحویل دهد. در تاریخ ۴ نوامبر سفارت امریکا که تصور میکرد حفاظت آن بعهده دولت است توسط دانشجویان مغایل شد. در این موقع آقای لینگن در وزارت امور خارجه بود.

بنظر میرسد پس از رفع بحران فعلی کنگره از دولت آمریکا نسبت
نحوه اقدام درمورد اجازه ورود به شاه توضیح بخواهد . در حال حاضر
نامات آمریکائی از ترس بخطر افتادن جان گروگانها از بحث و گفتوگو در
من زمینه خودداری مینمایند .

طی مصاحبه هایی که با افراد و مقامات مسئول زیربسط انجام شده
ست نحوه شکل گرفتن این تصمیم بشرح زیر میباشد :

سیاست دولت آمریکا در قال شاه و طرز تلقی شاه نسبت به آمریکا

بهم است . با اینکه از شاه بعنوان دوست آمریکا نامیرده میشود ولی بیدادهای رژانویه گذشته که منجر به خروج وی از ایران شد برخوردهایی به وجود آورده که گذشت زمان نه تنها موجب کاهش اثرات آن نشد بلکه حتماً آنها را افزایش نیز داده است . برداشت دولت آمریکا از انقلاب روان نیز کاملاً روش نیست . در فوریه گذشته دولت آمریکا تصمیم گرفت که روابط خود را با دولت انقلابی حفظ نماید ولی موفق به برقراری میاس با راهبر مذهبی نشد و سهmin علت کوشش‌های خود را متوجه دولت زرگان نمود . در نتیجه در مبارزه قدرت بین اعتدالیون به رهبری زرگان و افراطیون تحت رهبری امام خمینی درگیر شد .

اجازه ورود به شاه نمایشگر قدرت و نفوذ افراد متنفذ در دولت آمریکا بیاشد . سفارت آمریکا در تهران و سازمان سیا بارها به دولت شدار داده بودند که حضور شاه در آمریکا بهنامی برای گسترش فعالیت - ای خد آمریکایی در تهران بدست خواهد داد و ممکن است سفارت در

دولت آمریکا بعد از خروج شاه از ایران در ۱۶ ژانویه و مسافرت وی به مصر اعلام نمود که شاه میتواند به آمریکا مسافرت نماید ولی شاه بعلت عدم پشتیبانی آمریکا از وی ناراحت بود و "ضمانت" امیدوار بود که ممکنست طرف دولت بختیار دعوت به ایران شود به مراکش رفت و علام داشت که قصد مسافرت به آمریکا را ندارد. ولی وقتی آیت الله مصطفی قدرت را بدست گرفت وی نیز سوی آمریکا روی آورد و در این موقع دولت آمریکا پاسخ داد که موقع برای مسافرت وی به این کشور مناسب بیست. در این موقع شاه توسط آردشیر زاهدی از راکفلر و کسینجر تقاضای مک نمود. آقای نلسون راکفلر آقای رابرت آرمائو را که متخصص روابط عمومی است در اختیار وی قرار داد و دیوبید راکفلر نیز یکی از همکاران زدیک خود یعنی آقای جوزف رید را جهت همکاری نزد وی فرستاد. این شخص به ۲۶ کشور مسافرت نمود و در تمام این کشورها مسئله مسافرت و قامت شاه را بررسی نمود. مشکل اساسی این بود که مراکش تمایل نداشت شاه در آن کشور اقامت نماید و کشورهای دیگر نیز وی را نمی‌پذیرفتند. در اه مارس کسینجر موفق شد رضایت مقامات انگلیسی را برای اقامت شاه در اهاماں جلب نماید و شاه در ۳۵ مارس به این کشور مسافرت نمود. سینجر در ماه آوریل با وس ملاقات نمود ولی کوشش وی حیثت تغییر سیاست دولت آمریکا به نتیجه نرسید. پرزیدنت کارترا به وی پیغام داد که بالاخره شاه خواهد توانست به آمریکا مسافرت نماید ولی فعلاً موقع نسبت نیست. کسینجر یعنی از دریافت این پیغام به مکریک رفت و موفق

هستد بهتر از من که براساس اطلاعات از راه دور به شناسایی نظام بانکی ایران پرداخته‌ام، وضعیت بانک و بانکداری در ایران را بدانند. و امکان زیاد دارد که صحبت امروز من، از نظر آنها ناقص حلوه کند. اما بهرحال جاره‌ای نیست و امیدوارم که این ناقص را، اطلاعاتی که خواهان و برادران ما، در امور بانکی دارند کامل خواهد کرد. مطلب دیگر راجع به ارقامی است که در اینجا هستند. این ارقام در کشور ما هیچوقت از صحت و دقت برخوردار نبوده‌اند و بنابراین اگر منهم رقمی بزمی برآنم بعنوان جهت و گرایش است. عده‌گرایشها بوده است چون میدانید که وقتی نظام بانکی اسلامی بشود دو بهره در اسلام حرام باشد، ناچار این سوال پیش می‌آید که این نظام بانکی بدون بهره در یک اقتصاد آزاد چگونه عمل خواهد کرد؟ آیا می‌تواند عمل کند یا نمی‌تواند عمل کند؟ وقتی بناست سهره نگیرد وضع بانکها چه خواهد شد؟ اگر شما بگوئید نه اینها بهره نمی‌گیرند، حساب مسکنند در سال چه میزان قدرت خرید پول کم می‌شود و همانقدر در آخر سال به پول آنها اضافه می‌کنند، آنوقت که انگیزه‌ای برای کاهش قدرت خرید پول وجود داشت، میزان تورم تا آن حد بود. حال بنا یکچنین انگیزه‌ای که برای آن درست میکنید تصور کنید چه بر سر اقتصادما خواهد آمد، علاوه بر آنکه اساساً نرخ بهره‌تایعی از تغییر تورم پول نیست، پول وسیله است، ابزاری است که نقدینه بودنش رجحان دارد. یعنی کسی که الان پول در جیب داشته باشد وضع فرق می‌کند با کسی که جیبیش مثل بینده خالی باشد. آنکه نقدینه در دست دارد از فرصت‌های خوب می‌تواند استفاده کند و آنکه ندارد از استفاده این فرصتها محروم است. کسی که نقدینه دارد می‌تواند در موقع مناسب سرمایه‌گذاری لازم را در کارهای که سود زیاد دارد نماید و کسیکه نقدینه ندارد نمی‌تواند، مثلًاً "فرض بفرمایید در کتاب نفت و سلطه گفتم که حدود چهار ماه پیش از اینکه قیمت‌های نفت در ۱۹۷۳ افزایش پیدا کند بر مبنای تحلیل اقتصادی بر من روش بود و نوشته بودم و مقاله‌ای هم بزمی فرانسوی منتشر کردم که این قیمتها بالا خواهند رفت. فرض کنید اگر من در آن موقع پول کافی میداشتم به فاصله ۴ ماه سرمایه خود را می‌توانستم ۶ تا ۸ برابر بکنم. نرخ بهره تایعی از این نقدینه من است و بنابراین حتی وقتیکه میزان ارزش پول ثابت است نرخ بهره وجود دارد. حال اگر شما فرض کنید تورم را می‌توانید از بین ببرید، با از بین بردن تورم هم بهره از بین نمی‌رود. می‌بینیم که در جامعه بشری پول اصلاً یک امر اقتصادی نیست که خیال کنید هیچ وظیفه سیاسی ندارد نه، پول وظیفه سیاسی مهمی دارد. یا فرض کنید که وظیفه اجتماعی ندارد نخیر، پول وظیفه اجتماعی مهمی دارد و حتی وظیفه ایدئولوژی مهمی هم دارد. به این دلیل است که امام صادق فرمود وقتیکه از او پرسیدند پول چیست؟ گفت: دینار است و دو جیز: دین و نار، پول دین سوز است، آتش دین سوز است. وقتی یک امر اقتصادی است خصوصاً در جوامعی که سرمایه‌ها از مجرای اقتصادی خارج می‌شوند و در مجرای سیاسی می‌افتند مثل ایران، نرخ بهره علی‌الاصول بیان کننده یک رابطه سیاسی است تا یک رابطه اقتصادی. نتیجه‌تنا اگر شما می‌توانید مسئله رجحان نقدینه را هم حل نمایید وقتی که در روابط سیاسی برای پول نقش قائل می‌شوند نرخ بهره هم خواهد بود. در دنیای قدیم نظام ارباب و رعیتی، از جمله بر اثر نظام وام و اعتبار و میزان بهره برپا بود و مالکان اراضی دهقانان را در قرض دائمی فرو می‌بردند و نگان می‌داشتند و مقروض در آن موقعیت اجتماعی خویش باقی می‌ماند. بدلیل اینکه اگر میخواست از آن موقعیت اجتماعی بیرون آید مواجه می‌شد با تعقیب قضائی و غیرقضائی. این مسئله در زمان معاصر هم بر جاست و هنوز هم از بین ترفته.

شرایط حذف بهره

محتاج یک مقدمات اساسی و تغییرات اساسی در جامعه است والا اگرچنانچه به شرحی که الان عرض خواهیم کرد بهره را در نظام بانکی حذف نکنید، بهره از بین نخواهد رفت. آنها یکه این توانایی مالی را دارند اعتبارات مجانی خواهند گرفت و در شبکه گسترده‌ای که در دست دارند یا همان ترتیبی که از چهارده قرن پیش متداول گردیده‌اند قرض خواهند داد و بهره را هم خواهند گرفت. پس اگر بخواهیم ترخ بهره را برداریم تغییرات سیاستی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لازم است. ترخ بهره یک زبان و یک بیان بیشتر نیست و آن بیان رابطه موجود در جامعه است، تا آن روابط برجا هستند، مثل یک تب میماند، تا وقتی مرض بر جاست شما با مسکن اگر بخواهید تب را از بین ببرید، موقعی است، برای چند روزی و یکی دو ساعتی و بعد دوباره باز تب میرود بالا. باید مرض را از ریشه علاج کنید تا بتوان بهره را در جامعه از بین برد. این را از این لحاظ عرض میکنم که غالباً وقتی یک جریان انقلابی پیش می‌باید به تعبیر قرآنی انسان علی الاعومن عجول است. ان الاعسان عحولاً، انسان علی الاصول عجول است و میخواهد کارها را با شتاب انجام دهد و چون مسئله انقلاب هم آن شتاب را شتابان میکند همه میخواهند زود، زود با عجله و فوراً از امروز تا فردا میخواهند کون فیکون بکنند و نظام بانک را بهم بریزند ولذا ترخ بهره هم نیاشد و ایران بشود بهشت نه چنین چیزی نیست. حالا ما بر- میگردیم به نظام بانکی، از جمله مثلاً باید بینیم چه تغییراتی درسیستم بانکی و در نظام بانکی باید داد تا بتوان بهره را از بین برد. قبل از اینکه سیستم و نظام بانکی جدید به ایران راه پیدا کند، ما دارای نظام بانکی بودیم که تحت عنوان صرافی عمل می‌کرد. اینطور که تاریخ مدون به ما میگوید از چهار هزار سال قبل از میلاد، نظام بانکی در جهان بوجود آمده و پول و وام و بهره مرسوم شده است. در قانون "هموارایی" برای این پیویل قرض دادن‌ها و گرفتن‌ها قوانینی هم تنظیم شده بود. وقتی کشور ما تبدیل به امپراطوری شد، امپراطوری بدون قدرت اقتصادی ممکن نمی‌شد و اداره امپراطوری و قدرت اقتصادی در یک زمینه گسترده بدون نظام بانکی و پول ممکن نمیشد. این است که ممکن‌گویند نحس‌تین سکه در این دوره در ایران زده شد، و رایج شد و یا لاقل اگر نحس‌تین سکه در این دوره زده نشده، رواج پول معنای امروزی کلمه از این دوره در ایران است. قبل از اینکه ایران به مرکز پولی دنیا بدل شود و چنانچه امروز مثلاً وال استریت و سیتی لندن بازار پولی و مرکز سرمایه دنیا را تشکیل میدهند، در دنیا

